

بررسی قاعده منع بازداشت غیرقانونی و خودسرانه در نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی حقوق بشر

حسین زارعیان چناری،¹ جواد غلامزاده دهنوی²

چکیده

از آنجاکه یکی از ناقضان حقوق بنیادین بشر حکومت‌ها هستند که به راه‌های مختلف از جمله قانون‌گذاری، به حقوق اساسی و آزادی‌های اشخاص تجاوز می‌کنند، شناسایی معیارها و نقایص موجود در اسناد حقوق بشری ضرورت پیدا می‌کند. در سال‌های اخیر و در پی طرح مباحث حقوق بشری و ایرادهایی که نسبت به برخی مواد قانونی وجود داشت، قانون‌گذار کوشیده است رویکرد مناسبی را در این زمینه در پیش بگیرد و در اصلاحات قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری و تا حد امکان در تدوین منشور حقوق شهروندی، این ایرادها را برطرف کند تا هماهنگی بیشتری با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر داشته باشد. در این رابطه قوانین ایران درباره ضرورت مستدل بودن و مستند قانونی داشتن قرار بازداشت موقت با قوانین بین‌المللی حقوق بشر به‌ویژه ماده 9 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی کاملاً منطبق است و قوانین کشور در این زمینه هیچ‌گونه نقص و ابهامی ندارد.

واژگان کلیدی: امنیت قضایی، منع بازداشت غیرقانونی، سلب آزادی، جبران خسارت بازداشت.

1. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مازندران / hosein0578@gmail.com (نویسنده مسئول)

1. کارشناسی ارشد حقوق بشر، دانشگاه تهران / zaqzare12345@gmail.com

مقدمه

امنیت، عدالت، آزادی، استقلال، توسعه و رفاه، این شش ارزش حیاتی از اهداف مهم و عمده دولت‌هاست. در گذشته‌های دور، امنیت تنها هدف و فلسفه تشکیل دولت‌ها بود ولی کم‌کم عدالت هم به آن افزوده شد و در قرون معاصر آزادی، توسعه، رفاه و استقلال نیز از اهداف دولت‌ها به شمار می‌آید. در طول تاریخ همیشه مرزبندی دقیق تأمین آزادی، عدالت و سایر ارزش‌ها و همچنین تفسیر هریک از آن‌ها و رفع تضادها و تداخل آن‌ها مشکلی بود که همگان را رنج داده است. اغلب دولت‌ها در طول تاریخ با ترجیح و اهتمام به یکی از آن ارزش‌ها، سایر ارزش‌های اساسی را تعطیل کرده‌اند یا با تفسیر دلخواه از یک ارزش مانند امنیت، آن‌ها را در استخدام شخص خود درآورده‌اند. دانشمندان و نظریه‌پردازان حقوق اساسی در دو‌یست سال اخیر تلاش‌های زیادی کرده‌اند تا از حقوق اساسی شهروندی ملت‌ها و جامعه مدنی ابهام‌زدایی شود. امروزه در قانون اساسی اغلب کشورها، تفکیک قوا و تضمین‌هایی برای حفظ حقوق ملت‌ها منظور شده است، ولی باز هم تضاد و تداخل اهداف و ارزش‌های اساسی مانند عدالت، امنیت، استقلال و غیره مهم‌ترین چالش حقوق اساسی کشورهاست و در این میان یکی از دشوارترین‌ها، چالش امنیت قضایی است.

امنیت قضایی اصلی‌ترین ضمانت‌اجرایی قانون در کشور محسوب می‌شود. البته اجرای قانون، تضمین‌های مختلفی از جمله تضمین‌های اجرایی دارد، اما مهم‌ترین آن‌ها امنیت قضایی است. امنیت به معنای آسودگی خاطر، آرامش و عاری‌بودن از هرگونه ترس و نگرانی است؛ بنابراین مهم‌ترین مسئله در نیازهای اساسی یک جامعه پس از امنیت و نیازهای زیستی، امنیت قضایی است زیرا حقوق عامه را تضمین می‌کند. امنیت قضایی قدرتی است در کشور که بتواند بازدارنده باشد. نخستین تأثیر امنیت قضایی، بازدارندگی است؛ یعنی بازدارنده از هرگونه تعدی، تجاوز و ظلم در جامعه است و در مرحله بعد، چنان‌چه ظلمی واقع شد، می‌تواند با ترمیم و جبران آن، متجاوز را تنبیه و مجازات کند. پژوهش حاضر به دنبال تبیین اصل بازداشت خودسرانه به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های امنیت قضایی و همچنین جایگاه این اصل در نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی است.

۱. تعریف و مفهوم بازداشت خودسرانه

هرچند در اسناد بین‌المللی تعریفی از اصطلاح بازداشت ارائه نشده است، می‌توان تعریف لفظی آن را در برخی اسناد حقوق بشری ملاحظه کرد. برای نمونه می‌توان به تعریف بازداشت در سند «مجموعه اصول برای حمایت از تمامی اشخاص تحت هرگونه بازداشت یا حبس»^۱، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۹ دسامبر ۱۹۸۸، طی قطعنامه شماره ۱۷۳/۴۳، اشاره کرد. در مقدمه این سند، ذیل عنوان «کاربرد واژه‌ها» (بند «د»)^۲ بازداشت چنین تعریف شده است: «به معنی وضعیت اشخاص بازداشتی به شرحی است که در بالا مورد تعریف قرار گرفته است». با ملاحظه این تعریف (بند «د» تعریف بازداشت) و آنچه در بند «ب» (تعریف اشخاص بازداشتی) آمده است می‌توان گفت بازداشت به معنی وضعیت اشخاصی است که به دلیلی غیر از مجرم شناخته شدن (محکومیت به جرم)، از آزادی شخصی محروم شده باشند.

در واژه‌شناسی حقوق بشر بین‌المللی نیز اصطلاح «بازداشت» چنین تعریف شده است: «بازداشت به دوره‌ای از محرومیت یا سلب آزادی شخصی گفته می‌شود که از هنگام دستگیری یا توقیف آغاز شده و تا زمانی که آن شخص در اثر محکومیت نهایی به جهت اقدام مجرمانه‌اش زندانی یا آزاد می‌شود، تداوم می‌یابد» (Conde, 2002: 65).

درحالی‌که تعریف نخست، تنها ناظر به وضعیت اشخاص محروم از آزادی بوده و بر همین اساس بازداشت را تعریف کرده است، تعریف دوم بیشتر ناظر به مدت و دوره محرومیت اشخاص از آزادی بوده و با توجه به زمان آغاز و پایان سلب آزادی، این اصطلاح را تعریف کرده است.

برخی نهادها مانند «دفتر کمیساری عالی سازمان ملل متحد برای پناهندگان»^۲ با توجه به موضوع محوله، بازداشت را بدین شرح تعریف کرده‌اند: «توقیف و الزام افراد به حضور در محدوده‌ای معین یا جایگاه و مکانی محصور و محدود مانند زندان‌ها، اردوگاه‌ها یا پادگان‌های محصور، بازداشتگاه‌ها یا نواحی ترانزیت هوایی، به گونه‌ای که آزادی رفت‌وآمد به طور اساسی سلب شود و تنها اجازه ترک آن مکان برای بازگشت به سرزمین (فرد پناه‌جو) داده شود».

گرچه این تعریف ناظر به بازداشت افراد پناه‌جو یا پناهندگان است، ولی قیودی به‌کاررفته در آن

1. Body of principles for the protection of all persons under any form of detention or imprisonment, Adopted by General Assembly resolution 43/173 of December 1988.

2. Office of the United Nations High Commissioner for Refugees

- جز قید آخر مبنی بر اجازه ترک مکان برای بازگشت به سرزمین خود - منحصر به این مورد خاص نمی‌شود. در واقع در تعریف بازداشت باید به این ویژگی مهم توجه داشت که فرد محروم از آزادی، مجاز به ترک محل مربوطه به دلخواه نبوده و نیازمند دستور مقام‌های قضایی یا اداری است؛ چنان‌که این ویژگی در بند «ب» اصل 11 سند «قواعد سازمان ملل متحد در حمایت از نوجوانان محروم از آزادی»¹، مصوب 14 دسامبر 1990 و طی قطعنامه شماره 113/45 تصریح شده است.

اصطلاح بازداشت در قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران نیز آمده است و بدین شرح تعریف شده است: منظور از بازداشت موقت، در توقیف نگه‌داشتن متهم در طول تمام یا قسمتی از جریان تحقیقات مقدماتی است که امکان دارد تا خاتمه دادرسی و صدور حکم نهایی و آغاز به اجرای آن ادامه یابد (آخوندی، 1385: 154).

در تعریف دیگری آمده است: «بازداشت متهم عبارت است از سلب آزادی و زندانی کردن او در قسمتی از تحقیقات مقدماتی توسط مقام قضایی صالح» (آشوری، 1388: 133). همچنین ماده 106 قانون استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ابراز می‌دارد: «بازداشت وضع پرسنلی است که به موجب قرارهای صادره از مراجع ذیصلاح قضایی تا صدور حکم قطعی در توقیف به سر برده یا برابر مقررات انضباطی، در بازداشتگاه یا محل خدمت تحت نظر باشند».

با توجه به این موارد، در تبیین معنی و مفهوم بازداشت می‌توان گفت: بازداشت عبارت است از وضعیت خاص اشخاص محروم از آزادی در مکان‌های محدود و محصور که از هنگام دستگیری یا توقیف وی آغاز شده است و تا هنگام آزادی یا محکومیت قطعی به زندان ادامه دارد و طی این مدت، افراد اجازه ترک مکان معین را به دلخواه خود و بدون اجازه مقامات رسمی ذیصلاح ندارند.

با توجه به تعاریفی که بیان شد، معنی و مفهوم اصطلاح «بازداشت» تا حدودی روشن شده است ولی ابهام اصلی در مفهوم «خودسرانه» است که باید مفهوم و مراد از آن نیز مشخص شود.

در مذاکرات مربوط به تدوین ماده 9 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده است، اصطلاح خودسرانه در این سند به کار گرفته شود تا معنای «ناعادلان»²، «مغایر با اصول دادگستری»³ یا «مغایر

1. United Nations Rules for the protection of Jureniles Deprived Of their Liberty: resolution/ adopted by the General Assembly, 14 Deccember 1990, A/RES/113, available at: <http://www.Unhcr. Org/refworld/docid/3 boof 18628. html>

2. Unjust

3. Incompatible with the Principles of Justice

با کرامت شخص انسان» را به ذهن متبادر سازد.¹ چنان‌که کمیته حقوق بشر در خلال رسیدگی به یکی از پرونده‌های طرح‌شده اعلام داشت که این اصطلاح، مفهومی گسترده‌تر از «مغایر با قانون» را در بر داشته و شامل عناصری از «عدم تناسب»²، «ناعدالانه و غیرمنصفانه»³ یا «فاقد اسنادپذیری»⁴ و نبود فرایند دادرسی قانونی می‌شود.⁵

حتی دیوان امریکایی حقوق بشر نیز بند 3 ماده 7 کنوانسیون امریکایی حقوق بشر را که مشتمل بر این اصطلاح است، به گونه‌ای تفسیر کرده است تا دستگیری، بازداشت یا حتی حبس با دلایل و شیوه‌هایی را که هرچند در ظاهر با عنوان قانونی دسته‌بندی می‌شوند، ولی در واقع «نامعقول»⁶ «غیرقابل پیش‌بینی»⁷ یا فاقد تناسب هستند، شامل شود (Meron, 1986: 34)؛ بنابراین معنای این اصطلاح چیزی فراتر از «غیرقانونی» بوده و از این جهت در تعریف این اصطلاح، برخی آن را به معنای «توقیف اشخاص» بدون رعایت تشریفات قانونی یا آزادی از بازداشت دانسته‌اند که قربانی به طور نامحدود و نامشخص و بدون اتهام و رعایت تشریفات دادرسی و فرایند تعقیب جزائی، در چنین وضعیتی (توقیف یا حبس) نگه داشته می‌شود» (Conde, 2002: 17).

2. جایگاه اصل منع بازداشت خودسرانه و غیرقانونی در اسناد داخلی و بین‌المللی

تعهدات دولت‌ها در زمینه پاسداری از حق آزادی و امنیت شخصی در اسناد جهانی حقوق بشر همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و در اسناد منطقه‌ای مانند کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و غیره روشن‌سازی شده و به آثار چنین حقی اشاره شده است.

2-1. سازمان ملل متحد

مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی قطعنامه 43/173 به تاریخ 9 دسامبر 1988، نسبت به تدوین و

1. See: UN DOC. A/2929, Chapter VI, Sections 29, 30, 31, A/4045, Section 49, Human Rights Committee

2. Inappropriateness

3. Injustice

4. Lack of Predictability

5. See: AV. Australia, Human Rights committee, Communication No. 560/1993, HRC, 1997 report, Annex VI. L.

6. Unreasonable

7. Unforeseeable

تذکر موازین به دولت‌های عضو درباره موضوع بازداشت، اقدام کرد. اصول سی‌و‌نه‌گانه این اعلامیه مسئله بازداشت را موبه‌مو بیان کرده و موازین انسانی آن را طبق مقررات و مبانی عمومی حقوقی جزای بین‌الملل تبیین کرده است (مؤذن‌زادگان، 1377: 12). اصل دوم این اعلامیه بیان می‌دارد: «دستگیری، بازداشت یا زندان باید طبق ضوابط اکید قانون و توسط مقامات رسمی صلاحیت‌دار و با افرادی که برای این امر مسئولیت قانونی دارند، انجام گیرد».

2-2. اعلامیه جهانی حقوق بشر

در اعلامیه جهانی حقوق بشر، منع بازداشت خودسرانه افراد مورد توجه قرار گرفته است. ماده 3 این اعلامیه، حق آزادی و امنیت شخصی را برای همگان شناسایی کرده و در ماده 9 بر ممنوعیت بازداشت خودسرانه تأکید داشته است.

2-3. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

میثاق حقوق مدنی و سیاسی تضمین‌هایی حداقلی را برای حفظ افراد بازداشت‌شده در نظر گرفته است. به موجب این میثاق، هرکس دستگیر می‌شود باید در هنگام دستگیری از جهات آن مطلع و تفهیم اتهام شود (بند 2 ماده 9)، در اسرع وقت نزد مراجع قضایی قانونی حاضر شود و یا در مدت معقولی دادرسی یا آزاد شود (بند 3 ماده 9). همچنین هرکس به طور غیرقانونی دستگیر یا بازداشت شود، حق جبران خسارت خواهد داشت (بند 5 ماده 9). فرد بازداشت‌شده امکان تظلم‌خواهی دارد و دادگاه باید بدون تأخیر درباره قانونی بودن بازداشت اظهار نظر کند (بند 4 ماده 9).

2-4. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

ماده 5 کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مقرر می‌دارد: حق امنیت و آزادی: هر شخص از حق آزادی و امنیت فردی برخوردار است. نباید هیچ‌کس را از آزادی‌اش محروم کرد؛ به استثنای موارد زیر و بر اساس رویه‌ای که قانون مقرر کرده است:

1. حبس قانونی فرد پس از تأیید محکومیت توسط یک دادگاه صالح؛

2. بازداشت قانونی یا توقیف شخصی که از حکم قانونی یک دادگاه تمکین نکرده یا به منظور

تضمین اجرای کامل تعهدهایی است که توسط قانون مقرر شده است؛

3. بازداشت یا توقیف شخصی که تردید منطقی در مورد دست‌داشتن وی در ارتکاب به جرمی وجود دارد؛ با هدف احضار وی در مقابل مقام قانونی صالح یا زمانی که بازداشت مخفی به منظور جلوگیری از وقوع جنایت توسط وی یا افرادی پس از انجام جنایت از نظر منطقی لازم به نظر می‌رسد؛

4. بازداشت شخص نابالغ یا صغیر با حکم قانونی به منظور نظارت آموزشی یا بازداشت قانونی وی با هدف احضار شخصی در مقابل مقام قانونی ذی‌صلاح؛

5. بازداشت قانونی اشخاص با هدف جلوگیری از شیوع بیماری‌های عفونی و مُسری، افراد دارای ذهن غیرسلیم، معتادان به الکل یا مواد مخدر یا افراد ولگرد؛

6. بازداشت قانونی اشخاص با هدف جلوگیری از ورود غیرمجاز به کشور یا شخصی که حکم اخراج یا استرداد وی به دولت متبوعه‌اش صادر شده باشد.

کنوانسیون امریکایی حقوق بشر (ماده 7)، منشور افریقایی حقوق بشر (ماده 6) و اعلامیه اسلامی حقوق بشر (ماده 20) نیز از دیگر اسناد منطقه‌ای هستند که به لزوم انجام بازداشت مطابق قانون و ممنوعیت بازداشت خودسرانه و درنهایت بیان برخی حقوق مربوط به افراد بازداشتی اشاره دارند.

2-5- دادگاه کیفری بین‌المللی (اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی)

اساس کار دیوان کیفری بین‌المللی در رسیدگی به تحقیقات بدین صورت است که همکاری دولت‌های جهان در آن پیش‌بینی شده است. فصل نهم اساسنامه دیوان نیز با ایجاد نهاد معاضدت قضایی، همکاری بین‌المللی کشورها با خود را درخواست کرده است. همچنین دستگیری و بازداشت موقت متهم تا زمان تحویل به دیوان کیفری بین‌المللی، از جمله تکالیفی است که بر عهده دولت‌ها نهاده شده است. نکته قابل توجه آنکه بر اساس بند 1 ماده 19 اساسنامه پیش‌بینی شده است دستگیری و تحویل متهم باید مطابق قوانین ملی صورت گیرد؛ از این رو پذیرش آزادی موقت متهم در این دیوان، می‌تواند یک استثنا دانسته شود. همچنین بر اساس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، پس از درخواست دستگیری و تحویل متهم، دولت عضو باید بلافاصله بر اساس قوانین داخلی، اقدامات دستگیری و بازداشت متهم را انجام دهد؛ درحالی‌که در دادگاه‌های یوگوسلاوی و روندا چنین حقی پیش‌بینی نشده بود و کشورها باید بر اساس قواعد و اساسنامه تشکیل دادگاه‌های یوگوسلاوی و نه بر اساس قوانین مدون داخلی

خود، اقدام به بازداشت موقت متهم می‌کردند. همچنین بر اساس بندهای 1 و 3 ماده 59 اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، حق درخواست متهم برای آزادی موقت امری استثنایی بوده و محکمه ملی می‌تواند بر اساس در نظر گرفتن اهمیت جرم ارتكابی و بررسی شرایط و اوضاع و احوال استثنایی، در مورد آزادی موقت متهم تصمیم‌گیری کند (کلانتریان، 1384: 160).

دیوان کیفری بین‌المللی برخلاف دادگاه یوگوسلاوی و روندا، در زمینه قرار بازداشت، حقوق بیشتری را برای متهم در نظر گرفته است؛ مانند اینکه شعبه مقدماتی باید اطمینان یابد متهم از حقوقی که برای وی در اساسنامه پیش‌بینی شده است، از جمله حق درخواست آزادی موقت آگاه است یا خیر؛ از این رو این امر به‌صراحت در ماده 58 اساسنامه آمده است. همچنین با توجه به تجربه تلخ دادگاه‌های یوگوسلاوی و روندا مبنی بر اینکه اگر متهم در دادگاه کیفری بین‌المللی بر اساس معیار موازنه احتمالات، نمی‌توانسته عدم ضرورت ادامه بازداشت موقت خود را توجیه یا اثبات کند یا اینکه دادستان ادامه بازداشت را ضروری می‌دانست، باید کماکان در بازداشت می‌ماند. این امر در دیوان کیفری بین‌المللی بدین صورت اصلاح شد که متهم می‌تواند هر 12 روز یک‌بار از شعب مقدماتی، درخواست بازنگری نسبت به تصمیم بازداشت موقت داشته باشد (میرمحمدصادقی، 1383: 208).

از دیگر حقوق پیش‌بینی شده برای متهم این است که نباید پیش از محاکمه، مدت غیرمعقولی را در بازداشت سپری کند. هرچند بند 4 ماده 60 اساسنامه این مدت را پیش‌بینی نکرده است، این امر نیز برخلاف ماده 16 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است، زیرا این احتمال وجود دارد که با توجه به پیچیدگی موضوعات مطرح‌شده، شعبه مقدماتی، تحقیقات طولانی مدت را نیز متعارف بداند، یا حتی با دلایلی همچون شدت و گستردگی جنایت‌های مورد ادعا، مدت زمان بازداشت را معقول اعلام کند.

در حال در دیوان کیفری بین‌المللی و دادگاه‌های کیفری بین‌المللی دائم و موقت، رویه‌ای مغایر با موازین حقوق بشری وجود دارد. برای مثال، حق درخواست قانونی بودن بازداشت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حقوق متهم که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر بر آن تأکید شده بود، در قواعد دادرسی دادگاه‌های کیفری پیش‌بینی نشده است؛ یا اینکه از دیدگاه حقوق بشر، ناتمام‌ماندن تحقیقات یا شدت جرم نمی‌تواند دلیلی بر ادامه بازداشت فرد انگاشته شود، اما در رویه دادگاه‌ها این حق برای دادستان وجود دارد. هرچند اقتضای اصل برائت آن است که بازداشت پیش از محاکمه امری استثنایی تلقی شود و تا حد ممکن کوتاه باشد، ولی دیوان کیفری بین‌المللی بر اساس عرضی شدن مقررات خود، اصل را

بر بازداشت متهم قرار داده و آزادی موقت وی را استثنا انگاشته است (طهماسبی، 1391: 95).

3. جایگاه اصل منع بازداشت خودسرانه و غیرقانونی در حقوق ایران

در قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران، تعقیب و بازداشت افراد باید بر مبنای قانون و مجوز قانونی باشد. اصل 32 قانون مقرر می‌دارد: «هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با بیان دلایل، بلافاصله و کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت 24 ساعت، پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم شود. متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می‌شود». ماده 62 منشور حقوق شهروندی نیز تأکید دوباره بر این اصل و مکمل آن است (آقابائی، 1389: 123).

طبق ماده 71 قانون تعزیرات مصوب 1362: «هرکس از مقامات یا مأموران دولتی یا قوای سه‌گانه غیر آن‌ها، بدون حکمی از مقامات صلاحیت‌دار، در غیر مواردی که قانون جلب و توقیف اشخاص را تجویز کرده است، شخصی را توقیف یا حبس کند یا عنفاً در محلی مخفی کند، به شش ماه تا سه سال و محرومیت از خدمات دولتی محکوم می‌شود...». ماده 53 همان قانون مقرر می‌دارد: «هرگاه دادستان‌ها یا دادیارها یا بازپرس‌ها یا قضات محاکم یا دیگر مأموران ذی‌صلاح در غیر مواردی که قانون مقرر داشته است، امر به توقیف کسی دهند یا در غیر مواردی که قانون مقرر داشته است، امر به توقیف کسی را بدهند یا در غیر موارد معینه قانونی، تحت تعقیب جزایی یا قرار مجرمیت او را بدهند، به انفصال دائم از شغل و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال محکوم خواهند شد» (مهرپور، 1386: 148).

دستگیری و بازداشت اشخاص باید ضروری و با هدف تکمیل تحقیقات باشد و در اختیار نگه‌داشتن متهم بیش از 24 ساعت، فاقد مجوز قانونی است و مرتکب را در معرض مجازات مندرج در ماده 570 قانون مجازات اسلامی قرار خواهد داد. لازم به یادآوری است که اقدامات سالب آزادی و تحدیدکننده حقوق متهم توسط پلیس، در غیر از موارد کشف جرم مشهود و بدون اجازه مقامات قضایی، موجب خروج آن‌ها از حالت (در حالت اجرای وظیفه) می‌گردد، بنابراین دفاع مشروع در برابر آن جایز است (مؤذن‌زادگان، 1373: 113).

به‌منظور کنترل و نظارت هرچه بیشتر مقامات قضایی، ضابطان دادگستری موظف‌اند زمان

بازداشت، ساعات، روز و علت بازداشت و همچنین وسایل و وجوه ضبط‌شده از متهم را صورت‌جلسه و به امضای متهم و خود برسانند.

به موجب ماده 53 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392، ضابطان دادگستری مکلف‌اند اظهارات شخص تحت‌نظر، تاریخ و ساعت آغاز آن، مدت بازجویی، مدت استراحت بین دو بازجویی و تاریخ و ساعتی را که شخص نزد قاضی معرفی شده است، در صورت‌مجلس قید کنند. ضمانت‌اجرای تخلف ضابطان از مقررات موضوع ماده 53 فوق‌الذکر نیز وفق ماده 63 همین قانون، سه ماه تا یک سال، انفصال از خدمات دولتی است.

اصولاً بازداشت هنگامی اطلاق می‌شود که پس از صدور قرار تأمین توسط مقامات قضایی، شخص در بازداشتگاه، بازداشت شود. به مدت زمانی که متهم در اختیار پلیس است، «تحت‌نظر» اطلاق می‌شود. ماده 24 قانون آیین دادرسی کیفری این امر را مورد توجه قرار داده و از لفظ تحت‌نظر استفاده کرده است. با این صدر و ذیل، ماده طوری انشاء شده است که این شائبه را به وجود می‌آورد که طی این مدت، متهم در بازداشت است نه تحت‌نظر. درهرحال باید گفت تحت‌نظر غیر از بازداشت است و همان‌طور که اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی شماره 7/1776-1367/5/8 آورده است، منظور از تحت‌نظر قرار دادن یعنی تا اعزام به مرجع قضایی، تحت دید ضابطان گذاشتن است؛ باین‌حال در عمل، مراکز انتظامی تفاوتی بین تحت‌نظر و بازداشت قائل نیستند و تحت‌نظر را به‌مثابه بازداشت می‌دانند (جزائری، 1392: 164).

به موجب بند 1 ماده 1 آیین‌نامه جدید شیوه اداره بازداشتگاه‌های انتظامی مصوب قوه قضاییه (اسفند ماه 1391)، تحت‌نظرگاه چنین تعریف شده است: مکانی است که متهمان حسب مورد به دستور مقام قضایی یا در جرایم مشهود به موجب قانون، بر اساس گزارش کتبی ضابطان و مقامات ذی‌صلاح قانونی تا تسلیم به مقام قضایی و حداکثر تا 24 ساعت، در آن محل نگهداری می‌شوند. به موجب مقررات مندرج در موارد 46 الی 54 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392، ضوابط تحت‌نظر نگاه‌داشتن افراد توسط ضابطان، و حقوق قانونی شخصی که تحت‌نظر قرار دارد، بیان شده است.

4. قواعد شکلی بازداشت

بر اساس اسناد بین‌المللی حقوق بشر، سلب حق آزادی و امنیت شخصی افراد ضرورتاً باید به موجب قانون انجام گیرد و افزون بر جواز قانونی برای سلب حق آزادی و امنیت افراد، باید بر اساس رعایت قوانین و قواعد شکلی از جمله سلب حق یادشده از سوی مراجع قضایی و با رعایت محدودیت مدت و همچنین پذیرفته‌شدن حق اعتراض افراد به سلب این حق و حق افراد بر آزادی خود در موارد صدور غیرقانونی بازداشت، انجام شود که در قوانین داخلی نیز به رسمیت شناخته شده است.

4-1. ضرورت توجیه و مستدل بودن سلب موقت آزادی

سلب حق آزادی متهم مسئله‌ای است که حقوق‌دانان و قوانین پیشرفته آیین دادرسی کیفری بر آن نقد جدی داشته‌اند، چراکه رعایت نکردن حق آزادی و امنیت شخصی و حقوق یکسان طرفین دعوی کیفری (آنچه به تساوی سلاح معروف است)، به حق دفاع متهم آسیب می‌زند و در این میان حقوق و آزادی ضایع می‌شود؛ به‌ویژه اینکه با توجه به اطلاعات ناقص مقام تصمیم‌گیرنده، احتمال اشتباهات قضایی در این زمان بیش از مرحله دادرسی و صدور حکم است (خالقی، 1390: 227).

مجموع مسائل مطرح‌شده موجب شده است تا چه در عرصه داخلی و چه در صحنه بین‌المللی، دولت‌ها به سوی تنظیم قواعد و مقرراتی همسو با تعهدات خود در زمینه تأمین حقوق و آزادی‌های فردی و اجرای دادرسی منصفانه گام بردارند که به موجب آن، موارد توجیه‌کننده صدور قرار بازداشت موقت بسیار محدود شود و در آن صورت نیز حداکثر امکانات برای تأمین و تضمین آزادی‌ها و تدارک و دفاع متهم در اختیار وی قرار گیرد. برای مثال بند 2 ماده 9 میثاق حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد: «هرکس که دستگیر می‌شود باید در زمان بازداشت، دلایل دستگیری به اطلاع او رسانده شود و باید بی‌درنگ هر اتهامی را که علیه او وجود دارد، به اطلاع برسانند». در جایی دیگر، تکلیف دولت‌ها در زمینه لزوم حاضرکردن هرچه سریع‌تر مظنون نزد مقام قضایی و ممنوع‌بودن بازداشت وی در طول مدت انجام تحقیقات مقدماتی تصریح و پیشنهاد می‌شود تا جایی که ممکن است از اقدامات جایگزین بازداشت موقت استفاده شود. به همین دلیل است که مقام قضایی باید هنگام بازداشت متهم، به تفصیل دلایل خود را مبنی بر اینکه چرا قرارها جایگزین کافی برای در اختیار نگه‌داشتن متهم نیستند و بازداشت تنها راه ممکن به نظر می‌رسد، در قرار صادره قید کند (آشوری، 1388: 199).

قانون‌گذار ایران بر همین اساس و در زمینه تضمین هرچه بیشتر حقوق شهروندان و جلوگیری از بازداشت خودسرانه و حمایت از حق آزادی و امنیت شخصی افراد، همواره مقامات بازداشت‌کننده را به بیان دلایل بازداشت و توجیه سلب آزادی شهروندان مکلف ساخته است. در قوانین داخلی، افزون بر اصل 32 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که ناظر بر منع بازداشت غیرقانونی است، ماده 37 قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب 1378 نیز به صراحت لزوم مستدل بودن و مستند قانونی داشتن قرار بازداشت موقت را مد نظر قرار داده است. بر همین اساس، «مقام قضایی تحقیق‌کننده در صورتی قرار تأمین کیفری صادر می‌کند که دلایل، قراین و امارات کافی بر وقوع جرم و انتساب آن به متهم وجود داشته باشد، در غیر این صورت باید از صدور قرار تأمین سر باز زند.

بند یکم قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی نیز بر مستدل بودن و مستند قانونی داشتن سلب حق آزادی افراد تأکید کرده است. سایر بندهای قانون یادشده درباره تأمین اهداف عدالت کیفری و دستیابی به استانداردها و موازین حقوق بشر از جمله جلوگیری و منع بازداشت خودسرانه و پرهیز از بازداشت غیرضروری افراد و کاهش صدور قرار بازداشت و حمایت از حق آزادی و امنیت شخصی افراد، بسیار اهمیت دارد. قانون جدید آیین دادرسی کیفری در سال 1392 نیز درباره ضرورت مستدل بودن بازداشت، همان مفاد مواد قوانین سابق را در ماده 239 مدنظر قرار داده است (صادقی و ابراهیم‌منش، 1393: 184).

با توجه به مفاد یادشده، قوانین ایران در ضرورت مستدل بودن و مستند قانونی داشتن قرار بازداشت موقت، با قوانین بین‌المللی حقوق بشر به‌ویژه ماده 9 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی انطباق کامل داشته و قوانین کشور در این زمینه هیچ‌گونه نقص و ابهامی ندارد.

4-2. محدودیت مدت بازداشت و سلب موقت آزادی

از مسائل مربوط به بازداشت موقت که توجه حقوق‌دانان را به خود جلب کرده است، مدت زمان آن است که تغییر عنوان آن از توقیف احتیاطی به بازداشت موقت، حسب قانون ژوئیه 1970 فرانسه تأییدی بر موقتی بودن و محدود بودن این تأمین است. باوجود این، وقتی مدت بازداشت در قانون پیش‌بینی نشده باشد، متهمی که با قرار بازداشت موقت زندانی شده است، در عمل به علت تراکم زیاد پرونده‌ها یا ضرورت تکمیل تحقیقات، مدتی طولانی در زندان باقی می‌ماند. آثار زیان‌بخش و جبران‌ناپذیر این امر زمانی آشکار می‌شود که به دلیل نبود دلایل کافی، سرانجام به قرار منع توقیف یا

برائت منتهی شود یا به فرض صدور قرار مجرمیت، دادگاه متهم را با مجازاتی کمتر از مدت حبس در بازداشت موقت، محکوم کند (خزائی، 1377: 53).

بند 3 ماده 9 میثاق حقوق مدنی و سیاسی در این باره مقرر می‌دارد: «هرکس که به اتهام جرمی دستگیر یا بازداشت می‌شود، باید بی‌درنگ در مقابل قاضی یا دیگر مقام مجازی که به وسیله قانون قدرت قضایی را اعمال می‌کند، آورده شود، و شایسته است در مدت معقولی دادرسی یا آزاد شود. بازداشت و انتظار دادرسی افراد نباید به قاعده‌ای عمومی و کلی تبدیل شود...» ماده 6 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مقرر داشته است: «توقیف متهم نباید از مدت معقول تجاوز کند» (میرمحمدصادقی، 1377: 218).

چنانچه ملاحظه می‌شود، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و دیگر اسناد حقوق بشری، مدت مشخصی را برای بازداشت متهم در نظر نگرفته‌اند، اما آورده‌اند که فرد بازداشت‌شده بی‌درنگ در حضور قاضی آورده و در مدت معقولی دادرسی شود. تعیین مهلت زمانی برای در توقیف نگاه‌داشتن افراد سبب تسریع در انجام تحقیقات مقدماتی از سوی مقام تحقیق در مهلت زمانی تعیین‌شده می‌شود که می‌تواند موجبات تسریع دادرسی را فراهم آورد؛ بنابراین ایجاد محدودیت زمانی باید کوتاه باشد که این موضوع گام مهمی از سوی قانون‌گذار برای بازداشت افراد و در راستای حمایت از حقوق فرد بازداشتی و جلوگیری از بازداشت‌های طولانی‌مدت از سوی مقام قضایی، انگاشته می‌شود.

ماده 37 قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب 1378 در این زمینه بیان می‌دارد باید ظرف مدت یک ماه، وضعیت متهم بازداشت‌شده روشن و با صدور قرار تأمین مناسب آزاد شود و در صورت ضرورت، قرار بازداشت موقت با بیان دلایل و مستندات، تجدید شود. قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب 1381 نیز که تحقیقات مقدماتی تمامی جرایم را بر عهده بازپرس قرار داده بود، در این زمینه در بند «ط» ماده 3 مقرر می‌دارد: «هرگاه در جرایم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری استان تا چهار ماه و در سایر جرایم تا دو ماه به علت صدور قرار تأمین، متهم در بازداشت به سر برده و پرونده اتهامی او منتهی به تصمیم نهایی در دادسرا نشده باشد، مرجع صادرکننده قرار، مکلف به فک یا تخفیف قرار تأمین متهم است؛ مگر آنکه جهات تخفیف قانونی یا علل موجهی برای بقای قرار ابقا شود... چنانچه بازداشت متهم

ادامه یابد، مقررات این بند حسب مورد هر چهار ماه یا هر دو ماه اعمال می‌شود». به نظر می‌رسد با توجه به اختلاف مفاد پیش‌گفته در محدودیت زمان قرار بازداشت موقت و صراحت بند «ط» ماده 3 قانون یادشده که بیان می‌داشت: «... متهم در بازداشت به سر برده و پرونده اتهامی او منتهی به تصمیم نهایی در دادسرا نشده باشد...»، باید این‌گونه مقرر می‌شد که قرار بازداشت موقت در دادگاه صادر شود. بدین ترتیب رعایت مفاد ماده 37 پیش‌گفته برای دادگاه الزامی بوده و اگر این قرار در دادسرا ثابت شود، رعایت مفاد بند «ط» ماده 3 یادشده برای بازپرس و دادیار الزامی خواهد بود.

قانون جدید آیین دادرسی کیفری (1392)، رویه واحدی را در دادگاه و دادسرا پذیرفته است و در ماده 242، قانون‌گذار افزون بر ضرورت مستند قانونی داشتن بازداشت موقت و مستدل بودن آن، حداقل مدت در بازداشت بودن متهم را نسبت به قانون کنونی، در جرایم مهم از چهار ماه به دو ماه و در دیگر جرایم از دو ماه به یک ماه کاهش داده است. همچنین حداکثر زمان در بازداشت بودن متهم در جرایم سلب حیات و دیگر جرایم را تعیین کرده است که در رعایت حقوق متهم و دادرسی عادلانه و محدودیت مدت سلب آزادی وی و همچنین تطابق کامل با اسناد بین‌المللی حقوق بشر در این زمینه، گام‌هایی اساسی به شمار می‌آیند (صادقی و ابراهیم‌منش، 1393: 186).

3-4. حق درخواست بررسی قانونی بودن سلب آزادی و درخواست آزادی

به‌طورکلی اصل بر آزادی متهم در حین انجام تحقیقات مقدماتی به اعتبار حاکمیت اصل براءت است و سلب آزادی خلاف اصل بوده و ممکن است تنها در مواقع استثنایی موضوع حکم قرار گیرد. از سوی دیگر اشتباه‌های گریزناپذیر قضایی، تجربه‌های تلخی را از محروم کردن افراد بی‌گناه از آزادی به یادگار گذاشته است. برخلاف آنچه در گذشته حاکم بود که تنها مقام قضایی صادرکننده قرار بازداشت موقت یا جانشین وی می‌توانستند نسبت به تخفیف، تبدیل یا فک قرار بازداشت موقت اقدام کنند، اکنون قوانین پیشرفته آیین دادرسی کیفری حق پژوهش‌خواهی متهم از تصمیم قضایی مقام تصمیم‌گیرنده را در صورت لزوم اعمال کنترل قضایی و دادرسی دودرجه‌ای پذیرفته است.

بند 4 از ماده 9 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در به رسمیت شناختن این حق مقرر داشته است: «هرکس در اثر دستگیری یا بازداشت از آزادی محروم شود، حق دارد به دادگاه تظلم نماید تا دادگاه بدون تأخیر درباره قانونی بودن بازداشت اعلام نظر کرده و در صورت غیرقانونی بودن بازداشت،

حکم آزادی او را صادر کند». به نظر می‌رسد مبنای پذیرش این حق، کاستن از اشتباه‌های قضایی و در نتیجه تحدید هرچه بیشتر آثار اقدام خلاف اصل برائت مقام قضایی در بازداشت متهم است.

فک قرار بازداشت یا تبدیل آن به تقاضای متهم، از دیرباز در بند 4 ماده 38 قانون آیین دادرسی کیفری ایران مصوب 1290 پذیرفته شده بود، ولی با تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در سال 1373، حق شکایت از قرار بازداشت به موجب بند (ب) ماده 19 این قانون از میان رفت، زیرا این موضوع ستم بر حقوق و آزادی‌های فردی متهم به شمار آمده و نقض تعهدات بین‌المللی کشور در دادرسی منصفانه و اعطای حق تجدیدنظرخواهی به متهم بود. این امر اعتراض حقوق‌دانان را در پی داشت تا سرانجام با تصویب قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب 1378 و در ماده 33، دوباره قرار بازداشت موقت قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر استان اعلام شد (صادقی و ابراهیم‌منش، 1393: 187).

در قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب 1381، قانون‌گذار سازوکار مناسب‌تری را برای کنترل قضایی و اعتراض به قرار بازداشت موقت پذیرفته و تکالیفی را نیز متوجه مقام صادرکننده قرار دانسته بود. در بند (ح) ماده 3 این قانون، در صورت صدور قرار از سوی بازپرس که حق صدور قرار بازداشت موقت متهم را دارد، باید به تأیید دادستان برسد و همچنین در صورت مرتفع شدن دلیل بازداشت، رفع بازداشت باید با موافقت دادستان باشد. در این بند، حق متهم برای درخواست رفع بازداشت از خود در صورت مرتفع شدن دلیل بازداشت نیز به رسمیت شناخته شده بود. بر اساس بند «ط» از ماده 3 قانون یادشده، در صورتی که پرونده در دادسرا به تصمیم نهایی منتهی نشده باشد، مرجع صادرکننده قرار بازداشت موقت باید در جرایم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری استان تا چهار ماه و در دیگر جرایم تا دو ماه، نسبت به فک یا تخفیف قرار تأمین متهم تعیین تکلیف کند؛ مگر آنکه دلایل قانونی یا علت موجهی برای بقای قرار تأمین صادرشده وجود داشته باشد؛ در این صورت با بیان آن دلایل، قرار ابقا می‌شود و متهم حق دارد ظرف مدت 10 روز از تاریخ ابلاغ، حسب مورد به دادگاه عمومی یا انقلاب محل از این تصمیم شکایت کند.

همان‌گونه که در بند «ح» و «ط» آشکار است، قانون‌گذار برای تضمین حق اعتراض متهم به قرار بازداشت موقت، علاوه بر «حقی» که برای اعتراض به «صدور» و «ادامه» قرار بازداشت برای متهم شناخته بود، «تکلیفی» را نیز برای مرجع صادرکننده قرار پیش‌بینی کرده تا وی نیز قرار خود را در

فواصل زمانی معین مورد بازبینی قرار دهد» (خالقی، 1390: 238).

قانون آیین دادرسی کیفری 1392، در ماده 241 درباره اعتراض قرار بازداشت همان مفاد قوانین سابق را پذیرفته و در ماده 242 حق اعتراض متهم را به تجدید و ابقای قرار بازداشت موقت پس از گذشت دو ماه در جرایم مهم و یک ماه در جرایم دیگر، ظرف 10 روز از تاریخ ابلاغ در دادگاه صالح به رسمیت شناخته است.

ماده 244 قانون یادشده و تبصره 1 آن نیز حق درخواست تخفیف تأمین را حتی پس از صدور کیفرخواست تنها برای یکبار به رسمیت شناخته است و دادگاه را حتی در صورت فرجام‌خواهی از حکم نیز مکلف به رسیدگی دانسته است. مطابق ماده 245، دادگاه مکلف است اعتراض متهم را در وقت فوق‌العاده رسیدگی کند.

بر اساس مواد یادشده از قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب 1378 و قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب 1381 و قانون آیین دادرسی کیفری 1392، روشن است قوانین ایران در زمینه شناخت و اجرای حق اعتراض به سلب موقت آزادی به‌صراحت بیان شده است و از این جهت با اسناد بین‌المللی حقوق بشر و به‌ویژه با بند 4 ماده 9 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی کاملاً منطبق است و قوانین کشور در این زمینه دارای ابهام و اشکال نیست.

4-4. چگونگی پرداخت خسارت بازداشت خودسرانه و غیرقانونی

در اسناد بین‌المللی، لزوم جبران زیان از قربانیان اشتباه‌های قضایی مورد تصریح قرار گرفته است؛ از جمله بند 5 ماده 9 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در این مورد ابراز می‌دارد: «هرکس به طور غیرقانونی دستگیر یا بازداشت شود، حق جبران خسارت خواهد داشت». بند 6 ماده 14 میثاق مقرر می‌دارد: «هرگاه حکم محکومیت کیفری کسی دیرتر فسخ شود یا یک امر رخ داده یا امری که دوباره کشف شده است، دال بر وقوع اشتباه قضایی باشد و در نهایت مورد بخشش قرار گیرد، شخصی که در نتیجه این محکومیت مجبور به تحمل کیفر شده است، سزاوار آن است که زیانش طبق قانون جبران شود؛ مگر اینکه ثابت شود افشانکردن به‌موقع حقیقت پنهان، به‌طورکلی یا جزئی متناسب به خود او بوده است». همچنین بند 5 ماده 5 کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر مقرر داشته

است: «هر شخصی که برخلاف ضوابط و مقررات این ماده قربانی بازداشت یا حبس غیرقانونی شود، حق دارد از او جبران زیان شود».

در حقوق ایران، پیش از تصویب قانون جدید آیین دادرسی کیفری، جبران خسارت ناشی از بازداشت در قوانین دادرسی کیفری پیش‌بینی نشده بود و تنها در اصل (171) قانون اساسی و ماده 58 قانون مجازات اسلامی مصوب 1370، حکم جبران خسارت مادی یا معنوی ناشی از تقصیر یا اشتباه قاضی مقرر شده بود. درهرحال، بر اساس قواعد «لاضرر، ضمان و حق جبران خسارت متهم» و اصل «انصاف» و تکلیف اصل 171 قانون اساسی، متهم بی‌گناهی که بازداشت شده است، باید حق مراجعه به قاضی یا دولت را درباره جبران خسارت خود داشته باشد (ناصرزاده، 1373: 201).

ایجاد امکان جبران ایام بازداشت در صورت صدور حکم برائت یا قرار منع تعقیب متهم، از محل صندوق اعتباری مقرر در ماده 260 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 صورت می‌گیرد که از نوآوری‌های اساسی این قانون به شمار می‌رود. بر این اساس، ماده 255 قانون مقرر می‌دارد: «اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضایی، حکم برائت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر می‌شود، می‌توانند با رعایت ماده 14 این قانون، خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند». در ماده 256 این قانون، دایره شمول اصل محدود شده است و مقرر می‌دارد: «در موارد زیر شخص بازداشت‌شده مستحق جبران خسارت نیست: الف) بازداشت شخص، ناشی از خودداری در ارائه اسناد، مدارک و ادله بی‌گناهی‌اش باشد؛ ب) برای فراری‌دادن مرتکب جرم، خود را در مظان اتهام و بازداشت قرار داده باشد؛ پ) به هر جهتی به ناحق موجبات بازداشت خود را فراهم آورده باشد؛ ت) هم‌زمان به علت قانونی دیگری بازداشت باشد». همچنین در این زمینه باید به آیین‌نامه «جبران خسارت ناشی از بازداشت» که در تاریخ 1395/10/1، به تصویب رییس قوه قضاییه رسید، مراجعه کرد. این آیین‌نامه حاوی 27 ماده و 9 تبصره است که بر اساس آن درخواست جبران خسارت باید حاوی موارد زیر باشد:

- الف) نام، نام خانوادگی، نام پدر، سن، شغل، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، تابعیت، مذهب و غیره؛
 ب) شعبه بازداشت‌کننده و شعبه صادرکننده قرار منع تعقیب یا رأی برائت قطعی؛
 پ) مدت بازداشت، میزان و نوع خسارت وارده.

نتیجه‌گیری

مقصود از امنیت قضایی، آن امنیت خاطر و اطمینانی است که هم در مرحله نظر و هم در مرحله عمل، هر شخص حقیقی و حقوقی را آسوده‌خاطر می‌سازد که بدون دلیل و خودسرانه، تحت تعقیب قضایی و انتظامی قرار نخواهد گرفت و چنان‌چه به هر دلیلی در مقام مدعی یا شاکی یا مدعی‌علیه یا مشتکی‌عنه یا شخص ثالث و شاهد و ذی‌نفع، در روند اقسام دادرسی یا فرایندهای تصمیم‌گیری ترافیعی وارد شود، سازوکارهایی وجود دارند که در راستای تضمین بی‌طرفی و عدالت عمل کرده و حامی و سرپناه ابعاد مختلف اشخاص مانند جان، حیثیت، آزادی، مال، شغل و مسکن و غیره می‌شوند تا حقوق افراد به ناحق مورد تعرض و تجاوز قرار نگیرد. برابر یکی از کامل‌ترین تعاریف ارائه‌شده، امنیت قضایی نوعی اطمینان و تضمین است که دولت‌ها برای حفاظت و صیانت از شهروندان‌شان در مقابل هرگونه تجاوز و تعدی به حقوق فردی و اجتماعی‌شان ایجاد می‌کنند تا شهروندان بتوانند در سایه این امنیت فعالیت‌های فردی و اجتماعی خود را در چهارچوب قانون به انجام رسانند.

قانون‌گذار ایران درباره تضمین هرچه بیشتر حقوق شهروندان و جلوگیری از بازداشت خودسرانه و حمایت از حق آزادی و امنیت شخصی افراد، همواره مقامات بازداشت‌کننده را به بیان دلایل بازداشت و توجیه سلب آزادی شهروندان مکلف ساخته است. در قوانین داخلی ایران، افزون بر اصل 32 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که ناظر بر منع بازداشت غیرقانونی است، ماده 37 قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب 1378، به‌صراحت لزوم مستدل‌بودن و مستند قانونی داشتن قرار بازداشت موقت را مد نظر قرار داده بود. بر همین اساس، «مقام قضایی تحقیق‌کننده در صورتی به صدور قرار تأمین کیفری اقدام می‌کند که دلایل، قرائن و امارات کافی بر وقوع جرم و انتساب آن به متهم وجود داشته باشد، در غیر این صورت باید از صدور قرار تأمین خودداری ورزد». بند یکم قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی نیز بر مستدل‌بودن و مستند قانونی داشتن سلب حق آزادی افراد تأکید کرده است. سایر بندهای این قانون نیز درباره تأمین اهداف عدالت کیفری و دستیابی به استانداردها و موازین حقوق بشر از جمله

جلوگیری و منع بازداشت خودسرانه و پرهیز از بازداشت غیرضروری افراد و کاهش صدور قرار بازداشت و حمایت از حق آزادی و امنیت شخصی افراد، بسیار بااهمیت است. قانون جدید آیین دادرسی کیفری 1392 نیز درباره ضرورت مستدل بودن بازداشت، همان مفاد مواد قوانین سابق را در ماده 239 مدنظر قرار داده است.

با توجه به مفاد یادشده، قوانین ایران درباره ضرورت مستدل بودن و مستند قانونی داشتن قرار بازداشت موقت، کاملاً با قوانین بین‌المللی حقوق بشر به‌ویژه ماده 9 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی منطبق است و قوانین کشور در این زمینه هیچ‌گونه نقص و ابهامی ندارد.

فهرست منابع

- آخوندی، محمود (1385)، *آیین دادرسی کیفری سازمان و صلاحیت مراجع کیفری*، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ هشتم، جلد دوم.
- آشوری، محمد (1379)، *عدالت کیفری*، مجموعه مقالات، تهران: گنج دانش، چاپ اول.
- آشوری، محمد (1388)، *آیین دادرسی کیفری*، تهران: انتشارات سمت، جلد دوم، چاپ پانزدهم.
- آقابابائی، حسین (1389)، *قلمرو امنیت در حقوق کیفری ایران*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- تاورنیه، پل (1384)، «قوانین اساسی کشورها و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی»، ترجمه: مرتضی کلاتریان، *مجله حقوقی*، دوره 29.
- جزائری، عباس (1392)، *امنیت قضایی در حقوق کیفری ایران و رویه دیوان اروپایی حقوق بشر*، تهران: سامان دانش.
- جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر (1391)، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ پنجم.
- خالقی، علی (1390)، *آیین دادرسی کیفری*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ پانزدهم.
- خزائی، منوچهر (1377)، *فرایند کیفری*، مجموعه مقالات، تهران: انتشارات گنج دانش.
- صادقی، حاتم؛ ابراهیمی‌منش، مهران (1393)، «حق آزادی و امنیت شخصی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران»، *نشریه مطالعات حقوق تطبیقی*، دوره 5، شماره 1.
- کلاتریان، سپیده (1380)، «حق دادرسی عادلانه»، *نشریه وکالت*، شماره 6.
- محمدنسل، غلامرضا (1393)، *مجموعه مقررات دیوان بین‌المللی کیفری*، تهران: انتشارات دادگستر، چاپ سوم.
- مهرپور، حسین (1386)، *حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضوع جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات اطلاعات.
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی (1373)، *حق دفاع متهم در آیین دادرسی کیفری و مطالبه تطبیقی آن*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی (1377)، «حقوق دادخواهی و دفاع در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی قضایی*، شماره 9.

- میرمحمدصادقی، حسین (1377)، حقوق جزای بین‌الملل، تهران: انتشارات جنگل.
- میرمحمدصادقی، حسین (1382)، «اعتبار امر مختومه در اسناد دیوان کیفری بین‌المللی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره 38.
- ناصرزاده، هوشنگ (1373)، آیین دادرسی کیفری، تهران: انتشارات آگاه، چاپ سوم.
- هاشمی، سید حسن (1392)، حق دادرسی منصفانه در شرایط اضطراری، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول.

- Bertrand Mathiue (2006), *Le principe de securite juridique entre an conseil detat; Histoire des justices en Europe*, Toulouse Capitole Publications.
- Body of Principles for the Protection of all Persons under any form of Detention or Imprisonment (1988), Adopted by General Assembly resolution 43/173 of December.
- Conde, H. Victor, (2002), *A Handbook of international Human Rights Terminology*, Santa Barbara CA: ABC, Cilo, second Edition.
- Convention against Torture and other Cruel (1984), in *Human or Degrading Treatment or Punishment*, UN. DOC. A/39/51.
- Merón, Thodor (1986), *Human Rights Low Making in the United Nations*, Oxford: Clarendon Pres.
- See: AV. (1997), Australia, Human Rights committee, Communication No. 560/1993, HRC, report, Annex VI. L.

